

## واژه عقبه و موقعیت جغرافیایی آن



سید محمد باقر نجفی

«الاماکن» اینگونه توصیف کرده است:

«مِنْ أَعْظَمِ جِبَالِ مَكَّةَ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ عَرَفَةَ... وَ هُنَاكَ أَثْبَرَةٌ سِوَاهُ مِنْهَا تُبَيِّرُ الزُّنْجَ، لِأَنَّ الزُّنْجَ كَانُوا يَلْعَبُونَ عِنْدَهُ وَ تُبَيِّرُ الْأَعْرَجَ وَ تُبَيِّرُ الْخَضْرَاءَ وَ تُبَيِّرُ النَّصْعَ وَ هُوَ جَبَلُ الْمُرْدَلِفَةِ وَ تُبَيِّرُ عَيْنًا».

در منابع جغرافیایی منطقه مکه، کوه ثبیر در شرق شهر مکه، و جنوب شرقی کوه نور، مشخص و آن جز از کوه ثبیر که بر منطقه منا سایه افکنده، به نام کوه القویس. Alqwaiss مشهور است.

با توجه به این گفته حازمی و دیگر جغرافی دانان، «ثبیر» مفرد «الأثبیره» نام

عقبه؛ در زبان عربی (که اسم مفرد آن عقب، جمع آن عقاب و عقبات است)، به معنای: «گردنه» است و راه تنگ میان دو کوه را گویند که عبور از آن دشوار باشد. مکان عقبه در دامنه جنوبی القویس، مجاور منطقه منا است.

فاسی<sup>۱</sup> از امام شافعی سندی را شاهد آورده که: عقبه، «لَيْسَتْ مِنْ مِئِي» ولی حدّ منا: «ما بين قرين وادي مُحَسَّرٍ إِلَى الْعَقْبَةِ الَّتِي عِنْدَهَا الْجَمْرَةُ... وَ هِيَ جَمْرَةُ الْعَقْبَةِ الَّتِي بَايَعَ رَسُولُ اللَّهِ الْأَنْصَارَ عِنْدَهَا...».

در مستندات جغرافیایی قدیم، این گردنه در قسمتی از کوهستان ثبیر قرار دارد.

ثبیر را حازمی (متوفای ۵۸۴.ق.) در



مِيقَاتُ

جنوبی آن به کوه «سُدیر» متصل می‌گردد. نظر به این که تئیر بزرگترین ارتفاعات کوهستانی منطقه مکه است، به عنوان «الأَثْبَرَة» (جمع تئیر) شناخته می‌شود.

این نظر که عقبه «لیست مِن منی»، با بسیاری از آرای محققان مناسک‌شناس مطابق نیست؛ زیرا عموم آنان استدلال کرده‌اند: جمره در گردنه جای دارد و چون جمره جزو منطقه منا است، پس عقبه جزو منطقه منا محسوب می‌شود. پس: «جمره العقبه مِن منی»<sup>۲</sup>.

در نتیجه: به گفته ابن جماعه در [المناسک]: «إِنَّ الْعَقْبَةَ مِن منی».

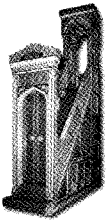
چون تأمل کردم، یافتم که این اختلاف آرا، نتیجه درست مشخص نشدن مسیر و طول عقبه در مستندات تاریخی - جغرافیایی منطقه منا است.

در اصطلاح مناسک، «جمره»، جمع آن «الجِمَار»، به سه استوانه سنگی مشخص در منطقه منا اطلاق می‌شود. همان‌ها که مسلمانان در فرایض حج، می‌بایست برابر آن بایستند و سنگریزه‌هایی را به سوی آن پرتاب کنند. ولی در اصطلاح و زبان، اساساً «الجِمَار» و «الجَمَرَات»، به معنای سنگریزه‌هایی است که در مناسک حج افکنند و مفرد آن، «جَمْرَة» است.

مهمترین ارتفاعات حول منطقه مکه است، که هر یک از آن، به نامی مشخص شده است.

در این خصوص، به بررسی پرداختم، تا بی‌بردم به دلیل تغییر نامگذاری‌ها تا به امروز، محققان جوامع مسلمان، در تعیین و شناخت کوه‌های مکه دچار اشتباه شده‌اند و یا لاقلاً آن‌ها را در تطبیق منابع قدیمی با منابع عصر خود، به ابهام و تردید انداخته است. عمدتاً پنداشته‌اند کوه‌هایی که به نام «تئیر» شهرت داشته، غیر از کوه‌های مشهور «حِرا»، «نور» و یا دیگر ارتفاعات مکه است. حال آن‌که کوه حِرا همان «تئیر الأعرج» نامیده می‌شد و کوه «المسفله» همان «تئیر الزنج». نیز کوه «الزَّحَم» همان «تئیر عیناء». کوه «المزدلفه» که بر شمال و شرق منطقه مزدلفه سایه افکنده، همان «تئیر النصح» و قسمتی از «تئیر الأثبیره» که مقابل کوه «نور» (حِرا) قرار دارد و مشرف بر سمت شمالی منطقه منا است، به کوه «ثَقَبَة» مشهور است.

این کوه بر قسمت شرقی منا است و آنچه که بر قسمت غربی آن سایه افکنده، در امتداد آن واقع است. «تئیر الخضرا» همان کوهی است که بر سمت جنوبی «الأقحوانه» مسلط و غرب آن به «الخنادم» و امتداد



میقات

محل ملاقات پیامبر با یثربیان. هر دو محل در طول عقبه‌ای قرار دارد که به سوی ارتفاعات ثبیر منتهی می‌شود. یکی پایین و دیگری بالاتر. یکی در مسیر رفتن به سمت جنوبی کوه و دیگری در مسیر رفتن به سمت شمالی ارتفاعات ثبیر.

با این تصوّر جغرافیایی از منطقه، تمام مسیر عقبه در حدّ منا نیست. محلّ جمره عقبه در حدّ منا است و آن سوی عقبه که محل دیدار یثربیان بوده و بعدها به مسجد عقبه شهرت یافت، خارج از حدّ منا است. برای این‌که نشان دهم محلّ جمره‌العقبه در دامنه کوه و آغاز مسیر گردنه است، به جستجو پرداختم تا از موقعیت یک قرن گذشته تصاویری تهیه کنم. به دو تصویر دسترسی پیدا کردم؛ یکی تصویری است که حدود ۷۰ سال پیش رفعت پاشا آن را در «مرآة الحرمين» آورده است:

و دوّم تصویری است که از سرزمین باریک و دراز منا، میان دو رشته ارتفاعات شمالی و جنوبی، در اواخر قرن ۱۹، Shouck Hurgrone مستشرق هلندی در کتاب‌های [ Bilder Aus Mekka ] چاپ و [ Den [ Haag Bilder - Atlas Mekka ] ۱۸۸۸م، ارائه کرد:

از این موقعیت‌ها دو نقشه تهیه

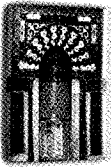
بنابراین، وقتی گفته یا نوشته می‌شود: «جمره‌العقبه»، نظر به مفهوم صرفاً ادبی آن نیست. اشاره به سنگ‌ریزه‌هایی است که چون به «الجمره الأولى»، «الجمره القصوی» و «الجمره الثانية» تجلیگاه شیطان پرتاب می‌شود، آن سه مکان به «جمره‌الصغری»، «جمره‌الوسطی» و «جمره‌الکبری» شهرت یافته است.

جمره‌الکبری یا مهمترین مکان مقاومت ابراهیم در برابر فریب و تجلّی شیطان بر ابراهیم، چون در مسیر گردنه کوه مشرف بر منطقه منا قرار گرفته بود، به «جمره‌العقبه» شهرت یافت. ولی در کدام قسمت از این مسیر؟

در مورد نام‌های معادل رجوع شود به: محب‌الدین مکی (متوفی ۸۶۹۴.ق.)، القری لقاصد امّ القری.<sup>۳</sup>

هنگامی که به نقشه جغرافیایی می‌نگریم، در می‌یابیم که شعب منا زمین مسطحی است میان کوه‌های سمت جنوبی و شمالی آن و منتهی‌الیه حدّ منا، دقیقاً در آغاز مسیر گردنه است.

در آغاز مسیر گردنه - و نه دقیقاً محل ملاقات انصار با پیامبر در آن گردنه - جمره‌العقبه، این سوی عقبه است و بالاتر از آن، در سمت شمال شرقی جمره‌العقبه،



## مبداً

الحرمین» از «مشاعر الحج» ارائه کرده، معلوم می‌شود. که این «سبیل الست» در مجاورت مسجد عقبه، مکانی مشخص است.

با این همه، به جستجو پرداختم تا قبل از اوایل قرن سوم هجری، از دیرینه بنای مسجد عقبه، آگاه شوم....

جز قول مورد اعتماد النهروانی در «الاعلام بأعلام بلد الله الحرام»<sup>۴</sup> سند تاریخی مهمی نیافتم. وی که در حوالی ۱۰۲۰ کتاب خود را تألیف کرده، تصریح می‌کند: بنای مسجد در سال ۱۴۴ه.ق. به دستور ابو جعفر منصور عباسی احداث شده است.

چون به تحقیق پرداختم دیدم که در اسناد تاریخی ابو جعفر منصور عباسی به سال ۱۴۴ه.ق. پس از سال ۱۳۶ه.ق. که همراه ابو مسلم حج به جای آورد، بار دیگر عازم مکه شده و حج را به جای آورده و در خلال ایام سکونتش در مکه، دستور احداث بنای مسجد عقبه را داده است. نجم عمر بن فهد (۸۱۲ / ۸۸۵ه.ق.)<sup>۵</sup> ذیل شرح وقایع همین سال تصریح و تأیید کرده که:

«فیها بنی المسجد الذی یقال له مسجد البیعة بقرب العقبة الّتی هی بحدّ منی من جهة مكة فی شعب علی یسار الذاهب إلى منی بیئنه و بین

کرده‌ایم؛ یکی را بتنونی در اوایل قرن ۲۰، در «الرحلة الحجازیه» و دیگری را رفعت پاشا در «مرآة الحرمین» آورده‌اند. این تصاویر دقیقاً نشان می‌دهد که موقعیت جمرة العقبة، در مسیر کوهستانی شمال منطقه منا است. این دو نقشه ما را از هر وصف و شرحی بی‌نیاز می‌کند.

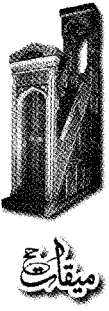
## ۱ / ب: موقعیت تاریخی بنای مسجد

### بیعت

در متن جغرافیایی «المناسک و اماکن طرق الحج و معالم الجزيرة» (ص ۵۰) امام حربی در اوایل صده سوم هجری، از بنای مسجدی در مکان بیعت یثربیان با پیامبر اسلام یاد کرده و دقیقاً مشخص کرده است که:

«من مکة إلى بئر ميمون، ميلان و هي سيرة الطريق... و قيل ان تصعد إلى منى عن يسار الطريق بأصل الجبل، المسجد الذي بايع فيه رسول الله صلى الله عليه [وآله] و سلم، بيعة العقبة». چاه منسوب به ميمون حضرمی، از چاه‌های مشهور مکه بوده که در عهد فاسی تاکنون به «سبیل الست» شهرت یافته است و محل آن در سمت غربی عقبه قرار داشته است.

در نقشه‌ای که رفعت پاشا در «مرآة



را در سال ۶۲۹ ه.ق. مرمت کرده است. نجم عمرین فهد<sup>۹</sup> تأیید کرده که: «عمر الخلیفة المستنصر العباسی مسجد البیعة بقرب منی علی یسار الذاهب إليها». ولی این اقدام را ذیل شرح تاریخی ۶۲۰ ه.ق. آورده است، حال آن‌که فاسی براساس کتیبه موجود در بنای مسجد، به سال ۶۲۹ باور دارد و در شفاء الغرام<sup>۱۰</sup> نوشته است:

«عمره المستنصر العباسی علی ما وجدته مکتوباً فی حجر ملقی حول هذا المسجد لتخربه و فیہ أن ذلك فی سنة تسع و عشرين و ستمائة».

این گفته فاسی با دیگر اسناد تاریخی مطابقت است و گفته نجم عمرین فهد را بی اعتبار می‌سازد؛ زیرا مستنصر بالله در رجب سال ۶۳۲ به خلافت رسید و در دهم جمادی‌الآخر سال ۶۴۰ ه.ق. درگذشت<sup>۱۱</sup> تا این‌که: «المرحوم ابراهیم دفتردار مصر سابقاً أمين عين عرفات رحمة الله شرع في تجديد هذا المسجد و أسسه و بنى بعض طاقاته و جدراته و توفى إلى رحمة الله تعالى قبل أن يتمه و ما وفق أحد بعده إلى الآن إلى إتمامه و هذا من المساجد المأثورة النبوية و هو الذي بايع فيه النبي صلعم سبعون في الأنصار بحضرة عمه العباس بن

العقبه غلوة أو أكثر و فیها حج بالناس أبو جعفر المقتدر...».

همچنین ← طبری،<sup>۶</sup> ابن اثیر<sup>۷</sup> و درر الفوائد (ص ۲۰۹).

در سال ۲۴۱ ه.ق، متوکل علی الله جعفر خلیفه عباسی، ضمن ترمیم خرابی‌های مکه، مکان بیعت انصار با پیامبر را مورد توجه قرار داده، اقدام به بازسازی جاده و گردنه‌ای نمود که مسیر رفتن پیامبر به محل تجمع انصار بود.

نجم عمرین فهد<sup>۸</sup> در این خصوص به استناد و اقوال ازرقی، نوشته است:

«سنة إحدى و أربعين و ماتتین فیها أمر أم امیر المؤمنین المتوکل علی الله... و أصلح الطريق التي سلکها رسول الله من منی إلى الشعب - و معه العباس بن عبدالمطلب - الذي يقال له شعب الأنصار الذي أخذ فيه رسول الله البیعة علی الأنصار...».

این امر نشان می‌دهد مکان مذکور یکی از مناطق مهمی بود که مردم به آن سوی می‌شتافتند.

پس از منصور عباسی، المستنصر عباسی، طبق کتیبه موجود در بنا، این مسجد



مِيقَاتُ

کیف نهادم، بار دیگر از کلن آلمان به سوی مکه و منا رفتم تا نشانی امروزی مکانی را بیابم که یادآور حضور پیامبر، سخن پیامبر و بیعت با پیامبر است. لحظه‌هایی که با دیدارش، شنیدن کلامش، مقام محمود را یافته بودند. به صلح و صفا ایمان آورده بودند. به وحدت و وحی اقرار کرده بودند. قلب‌هایی که محمد را در حق و حق را در او یافته بود، با چنین حضور و اشراقی، یک یک پیش می‌آمدند و قلب روشن خود را دو دستی به محمد می‌سپردند، تا رضای حق را از رسول حق بستانند.

## ۲ / ب: موقعیت کنونی مسجد بیعت

در طول سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۱۷ ه.ق. برابر با ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۵ ش. ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۷ م از مکه راه‌ها و جاده‌های متعددی به منطقه عرفات و مشعر و مزدلفه و منا (= مشاعر مقدسه) احداث شده و کاملاً بافت قدیمی مسیرهای ارتباطی تغییر کرده است. اتوبان‌ها، پل‌ها و تونل‌های رفت و آمد، راه طولانی مکه تا عرفات و منا را کوتاه در نتیجه خود را با موقعیت‌هایی روبه‌رو می‌بینیم که دیگر هیچ اثر و نشانی از نشانی‌های قدیمی وجود ندارد. با این سردرگمی و با تغییر نام محله‌ها، خیابان‌ها و

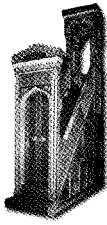
عبدالمطلب...». نهروانی نظر به اهمیت معنوی چنین مکانی، تصریح کرده است که: «و هذا مسجد شریف يستجاب فيه الدعاء فرحم الله من يكون سبياً في تجديدده و عمارته».<sup>۱۲</sup>

محبّ طبرانی<sup>۱۳</sup> مسجد بیعه (= مسجد العقبه) را از زمره اماکنی دانسته که: «يستحبُّ زیارتها والصلاة والدعاء فيها رجاءً برکتها».

و در صفحه ۵۴۳ تصریح کرده که مکان عقبه منسوب است به واقعه بیعت انصار با پیامبر؛ «فيه مسجد مشهور عند أهل مکه، أنه مسجد البيعة، و هو على نَشْر من الأرض».

با توجه به این‌که فاسی در «شفاء الغرام»<sup>۱۴</sup> گفته است: «مسجد البيعة، بيعة رسول الله صلعم و الأنصار بقرب عقبه منی»، معلوم می‌گردد که در زمان او گردنه کوه مشرف بر منطقه منی، موقعیتی داشته که دیگر بنای مسجد در مسیر آن قرار نداشته است. می‌توان نتیجه گرفت که جمره عقبه در عقبه قرار دارد و مسجد نزدیک محلی که به عقبه شهرت داشته، در نتیجه خارج از حدّ منی واقع شده است.

با تنظیم و تدوین مستندات تاریخی، اسناد این نشانی‌های جغرافیایی قدیم را در



میقات

پوشیده شدن ارتفاعات کوهستانی مکه با خانه‌ها و هتل‌ها و تأسیسات تجاری و دولتی و... نقشه‌های قدیمی را رها کردم. پس از دسترسی به چندین نقشه جدید که در این ده سال به‌طور مستقل و یا در نشریه‌ها و کتاب‌ها به چاپ رسیده، از شرق مسجدالحرام (مشهور به القشاشیه) با سه مسیر روبه‌رو شدم که عقبه به منا منتهی می‌شود؛ یکی انفاق السد که به خیابان ملک عبدالعزیز در محدوده منا منتهی می‌شود، دوم: انفاق الفيصلیه (الملاوی) که به شارع الروضه، روبه‌روی پل بزرگ پیاده‌رو مشهور به جسرالجمرات ختم می‌گردد، سوم: مسیری که از شارع مسجدالحرام به طرف شمال و سپس در جهت شرق به میدان عدل و از آنجا به جاده و تونل جدید ملک فهد در قسمت شمالی منا و ارتفاعات ثقبه پایان می‌پذیرد، چهارم: جاده‌ای که از شمال مکه تا شرق آن به نام شارع الحج وجود دارد. در مسیر این خیابان، کوه نور در سمت چپ نشانی آشکار است. از میدان عدل می‌گذرد و به شارع فهد متصل می‌گردد.

من به انفاق همسرم، مسیر چهارم را انتخاب کردیم و به سوی منا رفتیم. پس از پایین آمدن از ارتفاعات ثقبه، در جاده‌ای رسیدیم که حدّ فاصل کوه و جمرات بود.

در گذشته آن را شارع الکبش می‌گفتند؛ زیرا دقیقاً از دامنه کوهی می‌گذشت که مسجدالکبش (= محل ذبح اسماعیل به دست ابراهیم و تبدیل آن به ذبح قوچ = کبش) بالای آن، نام و نشانی مشهور بود. شارع الکبش را امروز شارع ملک فهد گویند که عرفات و مزدلفه و منا را به شهر مکه متصل کرده است.

ساعت‌ها در منطقه اطراف جمره عقبه به بررسی موقعیت جغرافیایی عقبه پرداختم، ولی هیچ نشانی از مسجد البیعه نیافتم. دانستم که در مسیر خیابان کبش یا ملک فهد نیست. از این رو، از حدّ شرقی منا، که به مُحَسَّر شهرت داشته و امروزه حدّفاصل میان شارع القصر الملکی (در جنوب و ارتفاعات کوه القویس منتهی می‌شود) به جستجو پرداختم. دقیقاً در حد منی؛ «من العقبة إلى وادی مُحَسَّر» عاقبت بنای قدیمی مسجد را دقیقاً سمت شمال غربی جمره کبری در همان نقطه‌ای یافتم که مورخان و جغرافی‌دانان از آن یادها کرده‌اند.

در فاصله میان بنای قدیمی مسجد و جاده شمالی جمرات - تأسیسات موقتی احداث شده که موجب دور ماندن بنا از دید مسلمانان گشته است.

همچون تشنه‌ای که به آب زلال تاریخ

به نظر می‌رسد این کتیبه همان کتیبه‌ای باشد که نهروانی از آن در «الاعلام» یاد کرده است، مبنی بر این‌که المستنصر عباسی مسجد را در سال ۶۲۹ تعمیر کرده است:

«و عمرّه أيضاً المستنصر العباسی كما  
فی حجر آخر بناه فی سنة ۶۲۹ و تلك  
الأحجار ملقاه بذلك المحلّ الخراب  
تُحشى علیها أیضاع فیندثر أثر هذا  
المسجد...»

متن کتیبه کوفی را در صفحه ۱۱۹  
ملاحظه کنید.

موقعیت بنای مسجد، دقیقاً در مسیر  
صعود به کوه مشرف بر منا است. زمین‌های  
حریم آن را مسطح کرده بودند، چرا. آگاه  
شدم، به هر حال مکانی است که در مجموعه  
سرزمین منا متروک مانده است.

رسیده، خود را یافته، لرزان و سراسیمه  
به سوی مکانی شتافتم که نخستین گام‌های  
جهانی کردن اسلام در آنجا برداشته شد.

### ۱- ۲/ب: بنای مسجد بیعت

آثار به‌جای مانده از دوران  
عثمانی‌هاست؛ بنایی مستطیل شکل، با  
دیوارهایی کوتاه. شامل دو قسمت، سمت  
قبلی آن با محراب و شبستانی کوچک و  
سمت شرقی آن حیاط غیر مسقفی است  
به‌علت بی‌توجهی‌ها، با زمینی متروکه و  
علفزار.

رویه دیوارهای گچی آن را با رنگ  
زرد پوشانده‌اند که از قدمت بنا نشانی  
آشکار دارد.

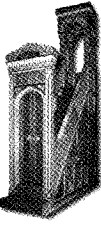
بر جدار خارجی دیوار قبلی بنا،  
کتیبه‌ای به‌خط کوفی دیدم که آن را با  
بی‌نظمی نصب و اطرافش گچ گرفته‌اند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. شفاء العَرام بأخبارِ البَلَدِ الحرام، ص ۱۰۰، چاپ اُفست، بیروت...
۲. محب طبری، القرى لقاصد ام القرى، به نقل از فاسی، همان مأخذ.
۳. ص ۵۲۹، چاپ ۱۹۷۰م. قاهره به اهتمام مصطفی السقا.
۴. ص ۵۶، چاپ وستنفلد ۱۸۵۷ م.
۵. اتحاف الوری بأخبار ام القرى، ج ۲، ص ۱۸۰ چاپ دانشگاه ام‌القری، مکه ۱۹۸۳م. به اهتمام فهیم محمد شلتوت.

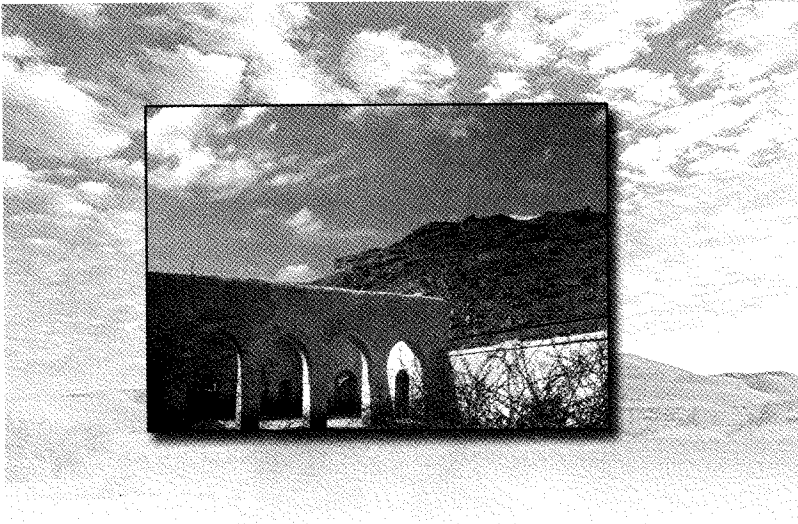


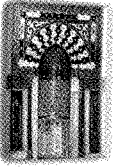




میقات

- ۶ . تاریخ الرسل و الملوك، ج ۹، ص ۱۵۹ عربی.
- ۷ . الكامل، ج ۵، ص ۱۸۹
- ۸ . اتحاف الوری بأخبار أم القرى، ج ۲، ص ۳۱۶، تصحیح فہیم محمد شلتوت، دانشگاه أم القرى، مکہ.
- ۹ . اتحاف الوری بأخبار أم القرى، ج ۳، ص ۳۸
- ۱۰ . ج ۱، ص ۲۶۲
- ۱۱ . تاریخ الخلفاء، صص ۴۶۰ و ۴۶۳
- ۱۲ . همان مأخذ.
- ۱۳ . القبری لِقاصِدِ أمِّ القُرَى، ص ۶۶۴ (متوفای ۵۶۹۴ھ).
- ۱۴ . ص ۵۸، همان چاپ.

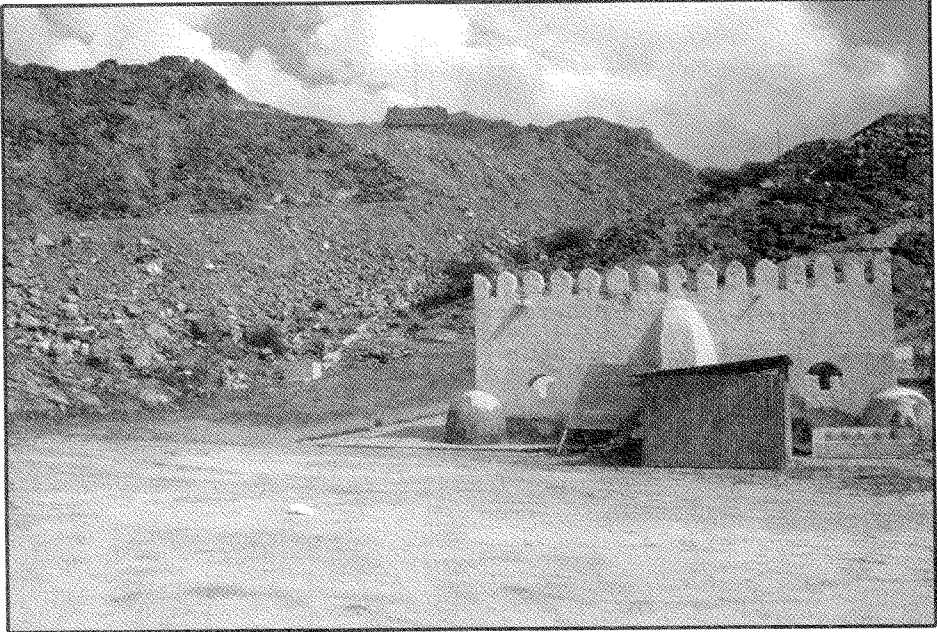
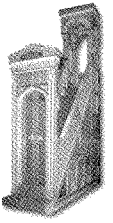




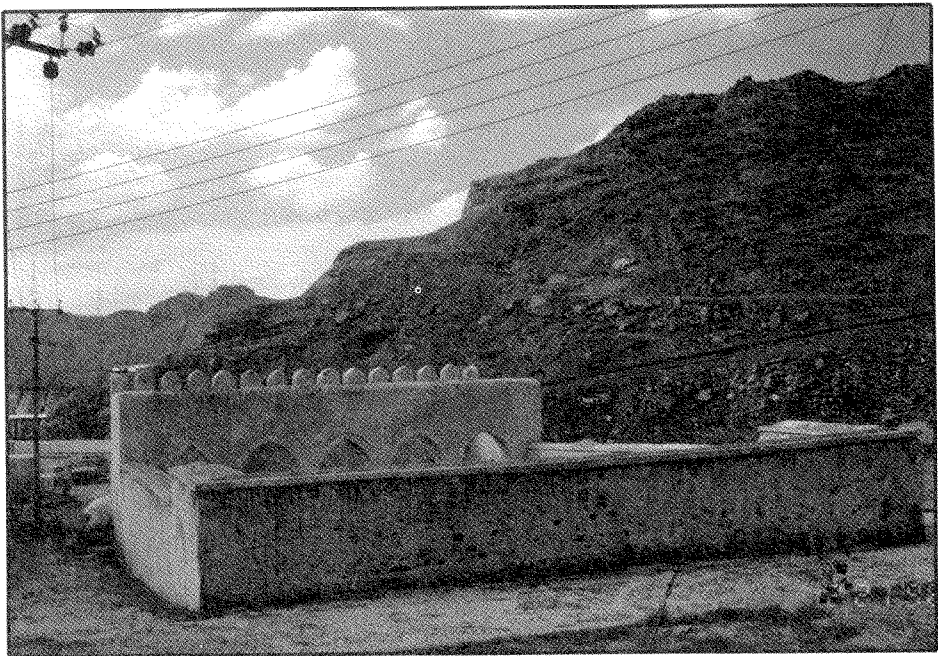
میتاب



تصویری از کتیبه سنگی نصب شده در دیوار قبلی.



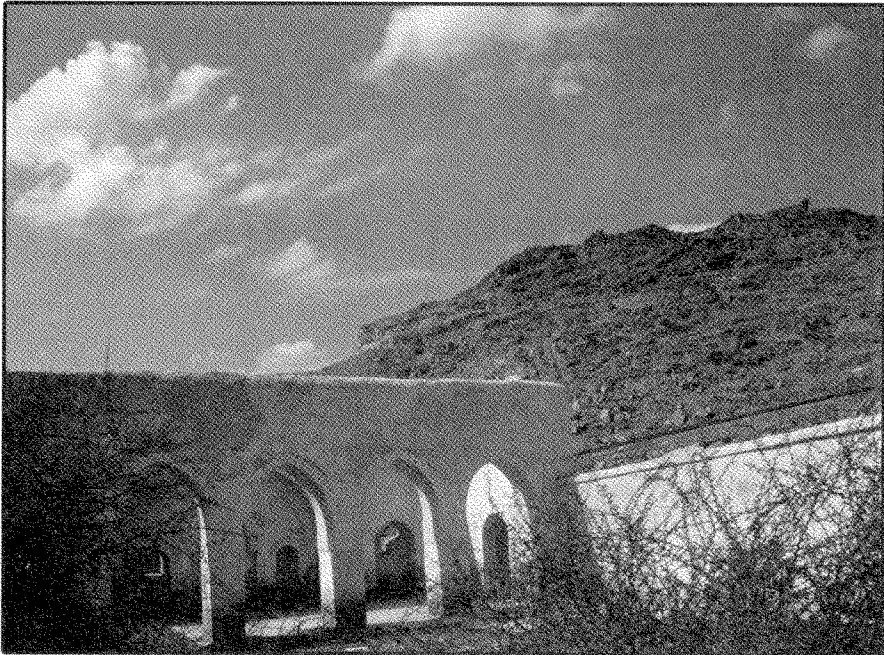
تصویری از سمت شرقی در دامنه کوه



تصویری از سمت غربی (قبلی)

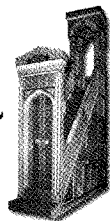


تصویری از محراب



تصویری از ستونهای شبستان





تصویری از حیاط متروکه مسجد